

تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران (با تأکید بر هدفمندی یارانه‌ها)

حسین قربانی^۱، هادی غفاری^۲، عباس نوری^۳، الهام تقوایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۹

چکیده

یکی از ملاحظات مهم در مورد خط مشی‌های اقتصادی دولت‌ها در کشورهای مختلف، اثرگذاری این خط مشی‌ها بر نحوه توزیع درآمد است. بر همین اساس، طبق بند ۲۲ از سیاست‌های کلی برنامه‌ریزی برای دستیابی به ضریب جینی ۰/۳۴ یکی از اهداف سیاست‌های کلی نظام است. لذا در این تحقیق، تأثیر متغیرهای مستقل نرخ تورم، مخارج دولت، درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی و نیز متغیر مجازی هدفمند کردن یارانه‌ها، بر توزیع درآمد در ایران بین سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۵ در یک مدل لگاریتمی، با استفاده از نرم‌افزار Eviews و به روش OLS مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد تمامی متغیرهای مستقل و مجازی معرفی شده در این تحقیق، به لحاظ آماری، دارای تأثیر معنادار روی ضریب جینی هستند. متغیرهای نرخ تورم و مخارج دولت، تأثیر معنادار و مثبت و متغیرهای درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی و هدفمند کردن یارانه‌ها، تأثیر معنادار و منفی بر روی متغیر وابسته (ضریب جینی) دارند.

طبقه‌بندی JEL: O15, E24, H23

واژگان کلیدی: ضریب جینی، ایران، توزیع درآمد، هدفمندی یارانه‌ها، متغیرهای عمده‌ی اقتصاد کلان.

۱. کارشناس مطالعات اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان مرکزی، اراک، ایران و مدرس دانشگاه پیام نور،

Email: hqa1364@mihanmail.ir

فرم‌هین، ایران

Email: ghafari@pnu.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه پیام نور، استان مرکزی، ایران

۳. سرپرست معاونت اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان مرکزی، اراک، ایران

Email: abbas.nouri1365@yahoo.com

Email: elhamtaghvayi@yahoo.com

۴. مدرس دانشگاه پیام نور، فرم‌هین، ایران

صحت مطالب مقاله بر عهده نویسنده است و مقاله بیانگر دیدگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست

مقدمه

یارانه، یکی از ابزارهای حمایتی دولت‌ها برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و بخش‌های خاص تولیدی است. در تمام نظام‌های اقتصادی، موضوع رفاه و تأمین اجتماعی دارای اهمیت بوده و بخشی از هزینه‌های جاری دولت‌ها به پرداخت‌های انتقالی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اختصاص می‌یابد. شواهد علمی و اقتصادی نشان دهنده آن است که پرداخت همگانی و غیرهدفمند یارانه‌ها، نه تنها در ارتقای درآمد و رفاه اقشار آسیب‌پذیر اثری ندارد، بلکه منافع آن بیشتر نصیب گروه‌های پردرآمد می‌شود (شهنازی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۹۹-۱۶۷). در ایران و بیشتر کشورهای در حال توسعه، پرداخت یارانه به صورت عام و فراگیر بوده و در بین عموم خانوارها توزیع می‌شود که این امر، باعث اختلال در اهداف حمایتی یارانه‌ها می‌شود. در اجرای سیاست‌های هدفمندی یارانه‌ها، شناسایی اقشار آسیب‌پذیر و هدایت منافع حاصل از حذف یارانه‌ها، اولین راه حل است که می‌تواند باعث کاهش سهم طبقات درآمدی بالا و افزایش سهم طبقات پایین درآمدی از یارانه‌ها، منطقی شدن مصرف حامل‌های انرژی و جلوگیری از قاچاق آن‌ها، اصلاح قیمت‌های نسبی، افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری اقتصادی، شفاف‌سازی بودجه‌ی دولت و کاهش اتلاف منابع، جایگزین کردن تدریجی طرح‌های رفاه اجتماعی به جای پرداخت یارانه، اصلاح ساختار درآمد و هزینه‌ی بنگاه‌های تولیدکننده‌ی کالاهای یارانه‌ای، اقتصادی شدن پروژه‌های تأمین انرژی از منابع تجدیدپذیر، بهبود فناوری تولید حامل‌های انرژی و کمک به کاهش عدم تعادل‌های بودجه‌ای دولت شود (شهنازی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۹۹-۱۶۷).

توصیف درجه‌ی نابرابری موجود بین افراد یک کشور و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف یک کشور در درآمد ملی را توزیع درآمد گویند. بنابراین، بررسی توزیع درآمد و نابرابری آن، مقایسه‌ی سهم گروه‌های مختلف جمعیت در درآمد ملی است (جعفری‌صمیمی، ۱۳۸۶، ۱۲۴-۱۲۳).

یکی از ملاحظات مهم در مورد خط مشی‌های اقتصادی دولت‌ها، اثر این خط‌مشی‌ها بر نحوه‌ی توزیع درآمد است. نیل به برابری بیشتر، خود یک هدف موجه برای طراحی خط‌مشی‌های اقتصادی و اجتماعی حکومت‌ها بوده است. به همین دلیل نیز علاوه بر سطح تولید ملی یا درآمد سرانه، نحوه‌ی توزیع آن نیز مورد توجه قرار داشته است (طیبیان، ۱۳۷۹، ۹۵). توزیع مناسب درآمدها و کاهش نابرابری و فقر میان اقشار مختلف، دغدغه‌ی مشترک دولت‌ها و ملت‌ها است. بر این اساس، هر دولتی در هر کجای دنیا، با روش خود سعی می‌کند تا فاصله‌ی طبقاتی و نابرابری‌ها را کاهش دهد. اما وقتی یک کشور از ثروتی عظیم و منبع بسیاری برخوردار است، خواست مردم برای توزیع عادلانه‌ی ثروت جدی‌تر می‌شود. وضعیت توزیع درآمد در جوامع مختلف، تنها از لحاظ اقتصادی اهمیت ندارد، بلکه در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز دارای اهمیت است.

1. Targeted subsidies
2. Income distribution
3. Per capita income

برای مقابله با مشکل توزیع ناعادلانه‌ی درآمد، می‌بایست عوامل مؤثر بر آن را شناخت و با توجه به تأثیر آن‌ها بر توزیع درآمد، به اتخاذ سیاست‌های مناسب در راستای بهبود نابرابری در سطوح و دهک‌های مختلف جامعه اقدام کرد. لذا هدف این مقاله، بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها و متغیرهای عمده‌ی اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران، با استفاده از مدل لگاریتمی است که داده‌های مربوطه، از بانک اطلاعات سری‌های زمینی اقتصادی و گزارشات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است. با توجه به اجرای قفون هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران از اواخر سال ۱۳۸۹، بررسی اثرات ایجاد شده توسط برنامه‌ی هدفمندی یارانه‌ها بر متغیرهایی مانند تورم، بیکاری، تولید، توزیع درآمد و غیره کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است. لذا بررسی همزمان تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها و متغیرهای عمده‌ی اقتصاد کلان بر توزیع درآمد را می‌توان نوآوری تحقیق حاضر، نسبت به مطالعات انجام شده دانست. بدین منظور، از شاخص ضریب جینی که متداول‌ترین شاخص نابرابری درآمد است، به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. این شاخص، اصول دالتون (ویژگی‌های مطلوب شاخص توزیع درآمد شامل اصل انتقال، اصل استقلال از میانگین درآمد جامعه، اصل حساسیت نسبت به تغییر برابر کلیه‌ی درآمدها، اصل عدم حساسیت نسبت به تغییر متناسب تعداد افراد کلیه‌ی گروه‌ها و سطوح درآمدی، اصل تقارن، اصل به‌هنجارسازی و اصل عملیاتی) را نقض نمی‌کند و از سایر شاخص‌های توزیع درآمد، یعنی ضریب پراکندگی، انحراف از میانگین نسبی، انحراف از میانه‌ی نسبی، واریانس لگاریتم درآمدها، تایل و اتکینسون، دقت بالاتری دارد (ابونوری و اسناوندی، ۱۳۸۴، ۲۱۰-۱۷۱). در ادامه، ابتدا به پیشینه‌ی تحقیق در داخل و خارج کشور پرداخته می‌شود و پس از مرور مبانی نظری بحث، مدل معرفی شده برآورد می‌گردد. در انتها نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

تجارب گسترده و ادبیات متنوع رشد و توسعه، بر این واقعیت اذعان دارند که هر اقدام بلندمدت و پایدار در عرصه‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصادی، منوط به لحاظ نمودن آثار و پیامدهای توزیعی سیاست‌ها از جمله توزیع عادلانه‌ی درآمدها در جوامع است (دهمرد و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۵-۲۵). مشکل توزیع درآمد، اغلب از دید مسائل عدالت اجتماعی و فقر مورد توجه قرار می‌گیرد و این امر، موجب می‌گردد تا راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای رفع این مشکل توصیه شود، در حالی که پدیده‌ی نابرابری در توزیع درآمد، به دلیل مقاومت نیروهای درونی، پایداری نشان می‌دهد و اجرای سیاست‌های کوتاه‌مدت و بدون شناخت عوامل تأثیرگذار، پیامدهای نامطلوبی بر توزیع درآمد به دنبال دارد. مطالعات متعددی چه در داخل و چه در خارج کشور درباره‌ی تأثیر عوامل مختلف

اقتصادی از جمله نرخ تورم، نرخ ارز، رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، مالیات، درآمدهای نفتی و غیره بر توزیع درآمد در کشورهای مختلف انجام گرفته و نتایج تقریباً مشابهی حاصل شده است که در ادامه، اشاره‌ای به برخی از تحقیقات صورت گرفته در این خصوص خواهد شد.

یافته‌های مقاله‌ی نوferستی و محمدی تحت عنوان بررسی اثر شوک‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران، نشان می‌دهد شوک نرخ ارز و تورم، باعث افزایش نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری می‌شود ولی اثر آن بر توزیع درآمد در مناطق روستایی، چندان محسوس نیست. شوک افزایش درآمدهای نفتی در کوتاه مدت، نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی را کاهش می‌دهد ولی در بلندمدت، به افزایش نابرابری در مناطق شهری منجر می‌شود. یک شوک تولیدی نیز به افزایش نابرابری در مناطق شهری و کاهش نابرابری در مناطق روستایی منجر می‌شود (نوferستی و محمدی، ۱۳۸۸، ۵۲-۳۱).

دهمرد و همکاران، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر شاخص‌های کلان بر توزیع درآمد در ایران، به بررسی تأثیر سهم مجموع مالیات بر درآمد و ثروت بر کل درآمد مالیاتی، سهم هزینه‌های تأمین اجتماعی و بهداشتی در بودجه‌ی دولت، اختلال نرخ ارز، نرخ بیکاری و رشد درآمد سرانه بر توزیع درآمد می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد سیاست‌های مالیاتی و تأمین اجتماعی و بهداشتی باعث بهبود توزیع درآمد و متغیرهای رشد اقتصادی، بیکاری و اختلالات نرخ ارز باعث افزایش نابرابری در ایران شده که در این بین، بیکاری، مؤثرترین عامل در افزایش نابرابری بوده است (دهمرد و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۵-۲۵).

سیفی‌پور و رضایی، در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها، به بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، حداقل دستمزد و نرخ بیکاری بر توزیع درآمد می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد با افزایش مالیات‌های مستقیم و حداقل دستمزد و کاهش مالیات‌های غیرمستقیم و نرخ بیکاری، توزیع درآمد بهبود می‌یابد (سیفی‌پور و رضایی، ۱۳۹۰، ۱۴۲-۱۲۱).

نتایج مطالعه‌ی ماندگانی و همکاران، با عنوان برآورد اثرات متغیرهای اقتصادی کلان بر نابرابری توزیع درآمد در ایران، نشان می‌دهد که ۱- افزایش نرخ رشد جمعیت، پدیده‌ی انقلاب و جنگ در ایران، شکاف طبقاتی را افزایش داده ولی افزایش نرخ رشد محصول ناخالص ملی سرانه‌ی حقیقی و افزایش سهم ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی باعث کاهش نابرابری در اقتصاد ایران شده است. ۲- الگوی پویای این تحقیق، به سمت الگوی بلندمدت حرکت می‌کند (ماندگانی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۶۱-۱۴۳).

نتایج تحقیق موسوی‌جهرمی و همکاران، با عنوان ارزیابی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در جامعه، نشان می‌دهد که ۱- رشد اقتصادی و تورم، تأثیر منفی و درآمد حاصل از مالیات بر درآمد، درآمد حاصل از نفت و گاز و بهره‌وری نیروی کار، تأثیر مثبت بر برابری درآمد دارند که از این بین، درآمد حاصل از مالیات بر درآمد، دارای بیشترین تأثیر بر کاهش نابرابری درآمد در ایران است. ۲- رابطه‌ی بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد، با

دیدگاه کوزنتس و کالدور مطابقت دارد. ۳- آزمون‌های ثبات ساختاری انجام شده نشان می‌دهد که مدل برآورد شده پایدار است (موسوی‌جهرمی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۴۷-۱۱۷).

نتایج تحقیق مهرآرا و محمدیان با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با رویکرد اقتصادسنجی بیزی، نشان می‌دهد که رشد اقتصادی، نسبت هزینه‌های جاری دولت به GDP (تولید ناخالص داخلی)، نسبت درآمدهای نفتی به GDP، درجه‌ی باز بودن و تغییرات نرخ ارز از عوامل مؤثر در افزایش ضریب جینی هستند. لذا بازنگری در سیاست‌های رشد اقتصادی، مدیریت صحیح درآمدهای نفتی، اصلاح فرآیندهای بودجه‌ریزی و تخصیص منابع با هدف کاهش فرصت‌های رانت‌جویی و بر خورداری بیشتر گروه‌های درآمدی پایین، برای رفع این مشکل پیشنهاد شده است (مهرآرا و محمدیان، ۱۳۹۳، ۱۱۶-۸۳).

شولتز، به بررسی اثر رشد اقتصادی، تورم و بیکاری بر نابرابری توزیع درآمد پرداخته است. وی در کار تجربی خود، با استفاده از داده‌های سری‌زمانی، بیکاری را مهمترین عامل مؤثر بر نابرابری دانسته، در حالی که اثر تورم و سهم درآمد عوامل تولید را بسیار کم‌اهمیت‌تر بیان کرده است (شولتز، ۱۹۶۱، ۱-۱۷).

مدل اولیه‌ی شولتز، به وسیله‌ی اساکي و بلايندر، اصلاح و به عنوان مدل استاندارد در زمینه‌ی مطالعات سری‌زمانی در مورد توزیع درآمد مطرح شد که متغیرهای ضریب جینی، تورم، بیکاری و متغیر روند، متغیرهای اصلی این مدل هستند (بلايندر و اساکي، ۱۹۷۶، ۶۰۴-۶۰۹).

عنوان مقاله‌ی باکر و کریدی، متغیرهای اقتصادکلان و توزیع درآمد: مدل شرطی با تعریف کلی است. آن‌ها در این تحقیق، نحوه‌ی توزیع درآمد میان مردان کشور نیوزلند را بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که نرخ بیکاری، اصلی‌ترین تأثیر را بر نحوه‌ی توزیع درآمد دارد که کاهش کیفیتی درآمد و افزایش ضریب جینی را پایه‌ریزی می‌کند (باکر و کریدی، ۲۰۰۰، ۱۹۷-۱۸۳).

ژو و زو در مقاله‌ای تحت عنوان توصیف تغییرات توزیع درآمد در چین، بیان می‌کنند که ضریب جینی در چین از ۲/۵۷ در سال ۱۹۸۴ به ۳/۷۸ در سال ۱۹۹۲ افزایش یافته است. یافته‌های این تحقیق، حاکی از آن است که ۱- نابرابری توزیع درآمد، با کاهش GDP، تورم بالا، رشد اقتصادی و افزایش مبادلات خارجی، افزایش یافته است ۲- توزیع مجدد درآمد، قصد دارد منابع را از ثروتمندان و فقرا به سمت طبقه‌ی متوسط انتقال دهد (ژو و زو، ۲۰۰۰، ۱۴۹-۱۷۰).



1. Schultz
2. Blinder and Esaki
3. Bakker and Creedy
4. Xu and Zou

هیر و سو سموت، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر تورم بر توزیع ثروت: آیا شرکت در بازار سهام و مالیات بر درآمد، مهم است؟ به تأثیر تورم بر توزیع ثروت در آمریکا می‌پردازند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۱- افراد کم‌درآمد، پس‌اندازشان را به صورت پول نقد نگهداری می‌کنند، در حالی که ثروتمندان، در بازار سهام پس‌انداز می‌کنند ۲- تورم بالا باعث افزایش نرخ بهره‌ی اسمی، تحمیل کردن مالیات واقعی بر درآمد بهره، کاهش نرخ شرکت در بازار سهام، کاهش پس‌انداز و توزیع ناعادلانه‌ی ثروت می‌شود (هیر و سو سموت، ۲۰۰۷، ۲۷۷-۳۰۳).

عنوان مقاله‌ی شاهپری و داوودی، بررسی تأثیر سرمایه‌ی انسانی بر نابرابری درآمد در ایران است. آن‌ها در این تحقیق، بیان می‌کنند که عدالت اقتصادی و اجتماعی، از مهمترین اهداف دولت اسلامی و برنامه‌ریزی برای بهبود بخشیدن توزیع درآمد، مستلزم دانستن عوامل مؤثر بر آن است. نتایج این تحقیق که بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۰۷ و با استفاده از روش ARDL (الگوی خودتوضیح برداری با وقفه‌های توضیحی) انجام شده، نشان می‌دهد افزایش سرمایه‌های انسانی و فیزیکی، ضریب جینی را کاهش و توزیع درآمد را بهبود می‌دهد. به بیان دیگر، با افزایش بیکاری، تورم و GDP، ضریب جینی افزایش می‌یابد و توزیع درآمد، ناعادلانه‌تر می‌شود (شاهپری و داوودی، ۲۰۱۴، ۱۳۸۹-۱۳۸۶).

۲. مبانی نظری

متغیرهای این تحقیق، بر مبنای مطالعات داخلی و خارجی انجام گرفته درباره‌ی توزیع درآمد، به صورت زیر ارائه شده‌اند:

تورم: تورم ناشی از وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها، به طور بی‌رویه، بی‌تناسب، به طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد (تفضلی، ۱۳۶۶، ۴۳۹). تا دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی، تورم قیمت یا افزایش ملوم در سطح کلی قیمت‌ها، یک بیماری تلقی می‌شد. به هر حال، تورم شدید (افسارگسیخته) موجب اختلال در پیشبرد سیاست‌های اقتصادی می‌شود (گیلیس و همکاران، ۱۳۸۵، ۵۲۲) که عامل اصلی ایجاد آن، رشد بیش از اندازه‌ی عرضه پول است (بارو و گرلی، ۱۹۹۴، ۱۳۹). این ارتباط بین عرضه پول و تورم و در نتیجه کاهش ارزش پول، بین اقتصاددانان کلاسیک، مانند دیوید هیوم و دیوید ریکاردو مطرح بوده است (بلوگ، ۱۹۹۷، ۱۲۹). امروزه مسیر اصلی اقتصاد، بیش از همه، توجه به کند و یکنواخت کردن نرخ تورم است (هومل، ۲۰۰۷، ۴۶-۵۹) زیرا تورم پایین می‌تواند سختی ناشی از بحران اقتصادی را به وسیله‌ی قادر ساختن

1. Heer and Susmuth
2. Barro and Grilli
3. Blaug
4. Hummel

بازار، با سرعت بیشتری به سمت تعدیل کردن خود، کاهش دهد. همچنین می‌تواند از ریسک ناشی از دام نقدینگی بکاهد (اسونسون، ۲۰۰۳، ۱۴۵-۱۶۶).

از طرفی، تورم، اثر توزیع درآمدی در بازار مالی و بازار کار دارد. بدین ترتیب که در بازار مالی، باعث انتقال درآمد و ثروت از وام‌دهندگان به وام‌گیرندگان و در بازار کار، باعث انتقال درآمد و ثروت از کارگران به بنگاه‌ها یا کارفرمایان می‌شود (تقوی، ۱۳۹۰، ۲۲۳). لذا تورم، باعث توزیع ناعادلانه‌ی درآمد و در نتیجه افزایش ضریب جینی خواهد شد.

مخارج دولت: در تأثیر مخارج دولت بر نابرابری درآمد، محققان به نتایج متناقضی دست یافته‌اند. به عنوان مثال، فان و ژانگ، فرانتی و کالدرون و سرون به این نتیجه رسیدند که مخارج دولت در زیرساخت‌ها اثر مثبت و معناداری در کاهش نابرابری در چین و آمریکای لاتین داشته است. در مقابل، مطالعه‌ی براکمن و همکاران نشان می‌دهد که مخارج دولت در زیرساخت‌ها، نابرابری منطقه‌ای را در اروپا افزایش می‌دهد. چترجی و تورنوسکی نیز بیان می‌کنند که مخارج دولت، بسته به منبع تأمین مالی این مخارج، نابرابری درآمد را در کوتاه‌مدت کاهش و در بلندمدت افزایش می‌دهد. لذا به نظر می‌رسد اثر مخارج دولت بر نابرابری درآمد، به نوع مخارج، منبع تأمین مالی و کیفیت عملکرد دولت بستگی داشته باشد.

درآمدهای نفتی: وفور منابع طبیعی، از دیگر عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد است. کشورهای با منبع طبیعی غنی، در مقایسه با سایر کشورها، بیشتر در معرض رفتارهای رانت‌جویی قرار دارند. بدین ترتیب که گروه‌های ذی‌نفوذ تلاش می‌کنند تا سهم هر چه بیشتری از رانت‌های منابع طبیعی به دست آورند و توزیع درآمد را به نفع خود تغییر دهند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که وفور منابع طبیعی، فرصت‌هایی برای رانت‌جویی ایجاد می‌کند که عامل گسترش فساد در این کشورها به شمار می‌آید.

درآمدهای مالیاتی: مالیات، وجوهی است که مردم یا بنگاه‌های اقتصادی، یعنی اشخاص حقیقی یا حقوقی، بنا بر قانون، ملزم به پرداخت آن به دولت هستند و معمولاً بدون چشم‌داشت به خدمت معینی پرداخت می‌شود. هدف از وضع و اخذ مالیات در گذشته، تأمین مالی دولت‌ها بود، اما به تدریج، با آشکار شدن آثار اقدامات مالی دولت‌ها، مالیات به عنوان ابزاری برای رشد، ثبات و کاهش نابرابری تلقی گردید. مالیات‌ها یکی از اجزای مهم سیاست‌های دولت‌ها در بهبود توزیع درآمد هستند. برای دهه‌ها کشورهای مختلف سعی کرده‌اند تا

1. Liquidity trap
2. Svensson
3. Fan and Zhang
4. Ferranti
5. Calderon and serven
6. Brakman
7. Chatterjee and Turnovsky

از نظام مالی و به ویژه مالیات‌ستانی برای جبران نابرابری‌های درآمدی ایجاد شده ناشی از عملکرد بازار خصوصی استفاده کنند. تمامی مالیات‌ها دارای اثر درآمدی هستند و به نحوی در توزیع درآمد تأثیر دارند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که برخی از نتایج تأثیر مالیات بر توزیع درآمد بر مبنای تحلیل نظری استوار است، در حالی که در دنیای کنونی، به علت مشکلات مختلف انتقال مالیات، فرار مالیاتی و غیره نتایج عملی مشاهده شده، اغلب با نتایج نظری و تئوری تأثیر بر توزیع درآمد متفاوت است.

هدفمند کردن یارانه‌ها: هدف اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها در برقراری یارانه‌ها حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله‌ی طبقاتی و افزایش رفاه عمومی است. صرف‌نظر از نوع نظام حاکم بر جوامع، یارانه در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه پرداخت می‌شود. در ایران، افزایش درآمدهای نفتی در ابتدای دهه‌ی ۱۳۵۰، موجب افزایش سریع تقاضای کل، هزینه‌های دولت و رواج روحیه‌ی مصرف‌گرایی شد. که در نتیجه، با توجه به ناتوانی تولیدات داخلی در پاسخگویی به تقاضاهای جدید و نیازهای جامعه، تورم به شدت رو به فزونی گذاشت. در این راستا، دولت برای پایین نگه داشتن قیمت برخی از کالاها و خدمات، اقدام به پرداخت یارانه نمود. با پیروزی انقلاب و در ادامه، شروع جنگ تحمیلی، نقش دولت در بسیاری از امور از جمله توزیع و پرداخت یارانه‌ها گسترش یافت. نقش این یارانه‌ها در رفاه خانواده‌های کم درآمد در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی، یک مسئله‌ی مهم در تعیین سیاست‌ها و استراتژی‌های رفاهی دولت است. با توجه به خواسته‌ی دولت، مبنی بر بهبود وضعیت رفاهی اقشار کم‌درآمد جامعه، مسأله‌ی مهم در این میان، شیوه‌ی پرداخت یارانه‌ها خواهد بود. لذا یکی از مباحث نظری در این زمینه به منظور افزایش کارایی یارانه‌ها، انتخاب بین کمک‌های نقدی و غیرنقدی است. با لحاظ نمودن نکات زیر، نظریه‌های اقتصادی در مجموع نشان دهنده‌ی آن هستند که یارانه‌های نقدی، اثر بیشتری در افزایش رفاه مصرف‌کنندگان و بهبود توزیع درآمد دارند:

الف) در مواردی که کالاها و خدمات مورد نظر دولت برای یارانه‌ها دارای اثرات خارجی مثبت باشند، یارانه‌های غیرنقدی تأثیر بیشتری در افزایش رفاه جامعه خواهند داشت.

ب) در شرایط تورم شدید، یارانه‌های نقدی به سرعت دچار کاهش قدرت خرید خواهند شد و در صورت تمایل به حفظ قدرت خرید، می‌بایست مرتباً با هر جهش قیمت، بر اساس شاخص تورم، یارانه‌ی نقدی را اصلاح کرد که این کار، هزینه‌ی اجرایی قابل توجهی خواهد داشت (پژویان، ۱۳۸۷، ۴-۶).

۳. مدل پژوهش

در این تحقیق، به منظور بررسی تأثیر عوامل کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، با توجه به ادبیات مطرح شده و مدل‌های نظری ارائه شده‌ی قبلی در این زمینه، از مدل لگاریتمی بهره گرفته شده است. به طوری که شاخص ضریب جینی به عنوان معیار کلی توزیع درآمد، متغیر وابسته، هدفمند کردن یارانه‌ها، متغیر مجازی و شاخص‌های کلان اقتصادی، متغیرهای مستقل مدل انتخابی را تشکیل می‌دهند:

$$LGini = c0 + c1 LCPI + c2 LG + c3 LOIL + c4 LTAX + c5 Dum$$

Gini ضریب جینی، CPI شاخص تورم، G مخارج دولت، OIL درآمدهای نفتی، TAX درآمدهای مالیاتی، Dum هدفمند کردن یارانه‌ها، L لگاریتم و c0 تا c5 ضرایب متغیرهای مدل هستند.

۴. روش تحقیق

در تحقیق حاضر که به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته، برای بررسی چگونگی تأثیرگذاری متغیرهای معرفی شده بر ضریب جینی، برآورد مدل فوق، از شکل لگاریتمی استفاده شده است، زیرا علاوه بر این که ناهمسنی را کاهش می‌دهد، کشش را نیز اندازه‌گیری می‌کند. لذا پس از انجام آزمون‌های پایایی، همگرایی یوهلسون و انگل گرنجر و اطمینان از عدم وجود رگرسیون کاذب به وسیله نرم‌افزار 6 Eviews، مدل به روش OLS (حدافل مربعات معمولی) برآورد می‌شود.

۵. برآورد مدل

۵-۱. آزمون ایستایی

قبل از برآورد مدل، ابتدا باید نسبت به ایستایی و ناپایستایی سری‌های زمانی مورد استفاده در مدل، اطمینان حاصل شود. اگر متغیرهای سری زمانی ایستا نباشند، ممکن است مشکلی به نام رگرسیون کاذب بروز کند. در این گونه رگرسیون‌ها، در عین حال که ممکن است هیچ رابطه‌ی معناداری بین متغیرهای الگو وجود نداشته باشد، ضریب R^2 به دست آمده‌ی آن نیز بسیار بالا باشد و موجب استنباط نادرست محقق در مورد میزان ارتباط میان متغیرها شود. از طرفی، اگر در یک مدل، متغیرها ناپایستا باشند، اولین تفاضل یا تفاضل مراتب بالاتر آن‌ها می‌تواند ایستا بوده و از آن‌ها در مدل استفاده کرد که در این حالت، مشکل رگرسیون کاذب برطرف می‌شود.

در این تحقیق، برای انجام آزمون ایستایی متغیرها، از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته به عنوان سودمندترین آزمون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج آزمون، متغیرهای LOIL و LTAX، در سطوح اهمیت ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ ایستا و متغیرهای دیگر ناپایستا هستند. بنابراین لازم است تفاضل‌گیری در مورد متغیرهای ناپایستا انجام شود. LGINI و LCPI با یکبار تفاضل‌گیری، ایستا می‌شوند ولی LG هم‌چنان ناپایستا است. پس آزمون دیکی فولر تعمیم یافته، برای تفاضل مرتبه‌ی دوم تکرار می‌شود که با توجه به نتایج آزمون، متغیر LG با دوبار تفاضل‌گیری ایستا می‌شود.

همان‌طور که بیان گردید، شرط ایستایی متغیرهای سری زمانی یک رگرسیون را می‌توان از طریق تفاضل‌گیری تأمین کرد، اما برای حفظ اطلاعات بلندمدت در رابطه با سطح متغیرها نمی‌توان کار خاصی انجام

داد. در این جا است که روش هم‌انباشتگی به کمک می‌آید تا بتوان رگرسیون را بدون نگرانی از کاذب بودن، بر اساس سطح متغیرهای سری زمانی برآورد کرد.

۲-۵. آزمون همگرایی

آزمون همگرایی، بدین معنی است که علی‌رغم این که سری‌های زمانی به تنهایی ناپایستا هستند، اما در ترکیب خطی از دو یا چند سری زمانی، یک رابطه‌ی تعادلی یا بلندمدت میان آن‌ها وجود دارد. در این تحقیق، از آزمون همگرایی یوهانسون استفاده شده است. برای انجام این آزمون، ابتدا با استفاده از الگوی خودبازگشت‌برداری، تعیین وقفه‌ی بهینه را انجام می‌دهیم. در یک مدل VAR، تشخیص طول وقفه‌ی بهینه، از اهمیت بالایی برخوردار است. جهت دستیابی به این امر، از معیارهای تعیین طول وقفه‌ی آکائیک و شوارتز استفاده می‌شود. برای انجام این کار، باید الگوی VAR با دوره‌های تأخیری متعددی مثل ۱، ۲، ۳ و یا بیشتر برآورد شود و سپس با مقایسه‌ی معیارهای آکائیک و شوارتز به دست آمده در هر دوره‌ی تأخیری که کوچکترین جواب را به ما بدهد، وقفه‌ی بهینه انتخاب می‌شود.

در مقایسه‌های انجام شده بین شاخص‌های مذکور در وقفه‌های مختلف و بر اساس جدول فوق، با توجه به نتایج، طول وقفه‌ی مساعد، دو در نظر گرفته شده است ($Lag = 2$).

بعد از تعیین وقفه‌ی بهینه، برای بررسی همگرایی، از آزمون همگرایی یوهانسون استفاده می‌شود. با بررسی نتایج آزمون، مشاهده می‌شود که آماره‌ی آزمون با فرض $H_1 = r > 4$ و $H_0 = r < 3$ ، برابر $7/35$ بوده که در مقایسه با مقدار بحرانی $12/51$ ، کوچکتر است و نمی‌توان $H_0 = r < 3$ را رد کرد. در نتیجه، وجود سه بردار همگرایی در این سطح پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌ی آزمون، بیانگر آن است که هر چند تعدادی از متغیرهای تحقیق ناپایستا هستند، اما در طول زمان، یکدیگر را به خوبی دنبال کرده، به طوری که تفاضل، باثبات (ایستا) است. لذا، مفهوم هم‌انباشتگی، وجود یک رابطه‌ی تعادلی بلندمدت را تداعی می‌نماید که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند. وجود هماهنگی مبین آن است که احتمالاً یک رابطه‌ی تعادلی بلندمدت بین سری‌های زمانی وجود دارد. در این صورت، رگرسیون برآورد شده کاذب نیست و R^2, t, F قابل اعتماد خواهند بود.

۳-۵. آزمون انگل-گرنجر

در این آزمون، ابتدا رگرسیون را به روش OLS برآورد می‌کنیم و جملات خطای آن را به دست می‌آوریم. سپس با استفاده از آزمون دیکی فولر یا دیکی فولر تعمیم‌یافته، ایستایی جملات خطا را آزمون می‌کنیم. اگر

جملات خطا ایستا باشد، نتیجه می‌گیریم که متغیرهای مورد بحث، هم‌انباشته هستند. لذا طبق نتایج به‌دست آمده از این آزمون، جملات خطا، ایستا و متغیرهای تحقیق، هم‌انباشته هستند.

۴-۵. برآورد الگو

حال، نوبت به برآورد الگو می‌رسد که نتایج حاصل از آن، به صورت زیر است:

$$\begin{aligned} \text{LGini} = & 0/38 + 0/01 \text{ LCPI} + 0/121 \text{ LG} - 0/854 \text{ LOIL} - 0/662 \text{ LTAX} - \\ & (197 / 11) (7 / 62) (3/62) (-2 / 57) (-7 / 11) \\ & 0/01 \text{ Dum} - 1/009 \text{ AR}(1) - 0/99 \text{ MA}(2) \\ & (-1 / 97) (-15/83) (-3/96) \\ & R^2 = 84\% \quad D-W = 2/28 \quad F = 10/28 \end{aligned}$$

برآورد الگو نشان می‌دهد کلیه متغیرها در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار بوده و دارای اعتبار آماری هستند. همچنین علامت ضرایب محاسبه شده با توجه به مبانی نظری و مطالعات تجربی، انتظار ما را در تخمین مدل برآورده می‌کند. یعنی افزایش درآمدهای مالیاتی و نفتی تأثیر مثبتی بر کاهش فاصله‌ی طبقاتی داشته‌اند ولی هدفمندی یارانه‌ها، افزایش سطح قیمت‌ها و هزینه‌های دولت باعث افزایش نابرابری درآمد شده‌اند.

ضریب تشخیص، یکی از معیارهایی است که در الگوی رگرسیون، محاسبه و ارزیابی می‌گردد و بیلگر قدرت توجیه رگرسیون است. یعنی در یک الگوی رگرسیون، چه میزان از رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توجیه می‌شود. هر چه مقدار این ضریب به یک نزدیکتر باشد، قابل اعتمادتر است. در برآورد انجام شده، ۸۴٪ از تغییرات ضریب جینی توسط متغیرهای انتخابی مدل توضیح داده می‌شود. به منظور این که ضرایب رگرسیون به طور همزمان آزمون شوند، از آماره‌ی F استفاده می‌شود. طبق مقدار آماره‌ی F به دست آمده در برآورد، فرض H_0 مبنی بر عدم اعتبار کل رگرسیون، رد می‌شود. یعنی رگرسیون به طور کلی معنادار است.

۵-۵. آزمون خودهمبستگی

هنگامی که یک رابطه‌ی خطی یا سیکلی بین جملات خطا در دوره‌های مداوم زمانی وجود داشته باشد، مشکل خودهمبستگی در رگرسیون به وجود می‌آید که در این صورت، نتایج به دست آمده، بدون تورش و سازگار هستند، اما کارایی ندارند، یعنی دارای حداقل واریانس نیستند. برای بررسی خودهمبستگی، از آزمون برون-ش-

گادفری استفاده می‌کنیم. روش انجام آزمون، به این صورت است که ابتدا یک رگرسیون کمکی ایجاد می‌کنیم و سپس آماره‌ی $R^2(n-p)$ که با Obs*R-squared نشان داده می‌شود را با $\chi^2_{0/05,p}$ مقایسه می‌کنیم. همچنین، فرض H_0 نشان‌دهنده‌ی عدم خودهمبستگی است و اگر $\chi^2_{0/05,p} < \text{Obs}^*R\text{-squared}$ فرض H_0 پذیرفته می‌شود. راه دیگر برای تشخیص وجود خودهمبستگی، بررسی احتمال (prob) به دست آمده است. به این صورت که اگر احتمال به دست آمده، از ۰/۰۵ بیشتر باشد، فرض H_0 پذیرفته می‌شود و مشکل خودهمبستگی در رگرسیون وجود ندارد. لذا نتایج به دست آمده از آزمون، حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی در رگرسیون است.

۵-۶. آزمون ناهمسانی واریانس

هنگامی که فرض ثابت بودن واریانس جملات خطا نقض شود، مشکل ناهمسانی واریانس به وجود می‌آید. در این صورت، نتایج رگرسیون کارا نیستند، یعنی حداقل واریانس را نخواهند داشت و مقدار آماره‌های F و t گمراه‌کننده خواهند بود. یکی از آزمون‌های پیشرفته‌ای که برای ناهمسانی واریانس به کار می‌رود، آزمون آرج^۲ است که در آن، فرض H_0 همسانی واریانس را نشان می‌دهد. تفسیر نتایجی که به وسیله‌ی نرم‌افزار Eviews به دست می‌آید، این گونه است: اگر $\chi^2_{0/05,p} < \text{Obs}^*R\text{-squared}$ ، فرض H_0 پذیرفته می‌شود، یعنی مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد و یا اگر مقدار احتمال به دست آمده از ۰/۰۵ بیشتر باشد، H_0 تأیید می‌شود. با توجه به نتایج آزمون آرج، احتمال به دست آمده، ۰/۹۷ است که از ۰/۰۵ بیشتر است. پس مشکل ناهمسانی واریانس در رگرسیون وجود ندارد.

۶. نتیجه‌گیری

کاملاً پذیرفته شده که توزیع درآمد، یک هدف اقتصادی و سیاسی مهم برای دولت‌ها است. از نظر اقتصادی، تغییرات در توزیع درآمد می‌تواند نرخ پس‌انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری، تقاضا در بازارهای مختلف و دیگر عوامل اقتصادی را متأثر کند و در نتیجه از نظر دولت‌ها اهمیت زیادی دارد. از دیدگاه سیاسی و برای جلب نظر رای‌دهندگان نیز توزیع درآمد، یک موضوع قابل توجه برای هر حکومتی است. به هر صورت که به توزیع درآمد نگاه شود، مسئله‌ای است که در گذشته، حال و آینده، یک عامل مهم برای ثبات دولت‌ها به حساب آمده و خواهد آمد.

1. Berusch-Godfrey
2. Arch



نتایج به دست آمده در این تحقیق، نشان می‌دهد که تمامی متغیرها از لحاظ آماری معنادار هستند که در زیر، به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود:

- ضریب کشش LCPI برابر با ۰/۰۰۱ است. علامت مثبت ضریب، نشان از رابطه‌ی مستقیم تورم با ضریب جینی دارد که طبق انتظار، تورم بالا که به مالیات فقرا نیز معروف است، اثر ضدتوزیعی داشته و باعث ناعادلانه‌تر شدن توزیع درآمد می‌شود. در شرایط تورمی، به دارایی افراد ثروتمند افزوده می‌شود، حال آن‌که طبقات پایین درآمدی، مجبور به پرداخت مبالغ بیشتر برای خرید کالاها و مایحتاج خود خواهند بود و بدین ترتیب، شکاف طبقاتی در کشورهای دارای تورم بالا بیشتر خواهد شد.

- ضریب کشش LG برابر با ۰/۱۲۱ است. علامت مثبت ضریب، نشان از رابطه‌ی مستقیم مخارج دولت با ضریب جینی دارد. یعنی افزایش مخارج دولت، باعث ناعادلانه‌تر شدن توزیع درآمد می‌شود که علت آن می‌تواند استفاده‌ی گسترده‌تر گروه‌های پردرآمد جامعه از خدمات دولتی باشد. در حالی که اقشار کم‌درآمد، فرصت‌های کمتری برای بهره‌مند شدن از امکانات دولتی دارند. در واقع، سیاست‌های رفاهی و حمایت‌های اجتماعی دولت، کارایی لازم را در سبایه‌ی افزایش هزینه‌های دولت برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و کاهش نابرابری نداشته است. بنابراین، به نظر می‌رسد این هزینه‌ها خود منشا توزیع رانت و فساد بوده و شیوه‌ی توزیع آن میان گروه‌های مختلف، به نابرابری دامن زده است.

- ضریب کشش LOIL برابر با ۰/۸۵۴- است. علامت منفی ضریب، بیانگر رابطه‌ی غیرمستقیم درآمدهای نفتی با ضریب جینی است. هر چند افزایش درآمدهای نفتی موجب تبدیل اقتصاد کشور به یک اقتصاد تک‌محصولی و وابسته می‌شود، اما از طرف دیگر و طبق نتایج به دست آمده در این تحقیق، اهمی برای بهبود توزیع درآمد است و نشان می‌دهد تخصیص درآمد حاصل از فروش نفت در میان اقشار آسیب‌پذیر نسبت به اقشار مرفه جامعه بیشتر بوده است. به عبارت دیگر، بخشی از افزایش درآمد کشور، صرف توزیع سهام عدالت بین گروه‌های پایین درآمدی، ساخت واحدهای مسکن مهر و غیره شده که تأثیر مثبتی روی کاهش نابرابری در جامعه داشته است.

- ضریب کشش LTAX برابر با ۰/۶۶۲- است. علامت منفی ضریب، نشان از رابطه‌ی غیرمستقیم درآمدهای مالیاتی با ضریب جینی دارد. اخذ مالیات از افراد پردرآمد جامعه و تخصیص آن به دهک‌های پایین درآمدی، یکی از ابزارهای مهم در جهت دست‌یابی به توزیع عادلانه‌تر درآمد در هر کشوری است. لذا طبق نتایج به دست آمده و مورد انتظار، افزایش مالیات باعث کاهش ضریب جینی و بهبود توزیع درآمد می‌شود.

- ضریب کشش Dum برابر با ۰/۰۱- است. علامت منفی ضریب، نشان از رابطه‌ی غیرمستقیم هدفمندی یارانه‌ها با ضریب جینی دارد. یعنی اجرای این طرح به روش فعلی، برخلاف انتظار، باعث عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد شده است. می‌توان این‌طور استدلال نمود که یارانه‌های نقدی از طریق این که سهم بیشتری از کل درآمد

دهک‌های پایین درآمدی را در مقایسه با دهک‌های بالای درآمدی دارد، منجر به کاهش فاصله‌ی طبقاتی در کشور شده است.

۷. پیشنهادات

در پایان، پیشنهادات زیر، به منظور توزیع عادلانه‌تر درآمد و کاهش ضریب جینی در کشور ارائه می‌گردد:

- با توجه به تأثیر منفی متغیر مالیات و تأثیر مثبت متغیرهای تورم و مخارج دولت بر ضریب جینی، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های مالی انقباضی شامل کاهش مخارج دولت، افزایش مالیات و یا ترکیبی از آن‌ها به منظور کاهش تقاضای کل که منجر به کاهش تورم و در نتیجه بهبود توزیع درآمد می‌شود، اعمال گردد. لازم به ذکر است سیاست مالی انقباضی، بر خلاف سیاست پولی انقباضی که در کوتاه‌مدت، سبب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود، تأثیری بر سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت ندارد.

- نتایج تحقیق، نشان‌دهنده‌ی کاهش شکاف طبقاتی با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها است. لذا پرداخت سهم ۳۰ درصدی بخش تولید از منابع حاصل از اجرای این طرح، حذف دهک‌های بالای درآمدی از دریافت یارانه و یا پرداخت یارانه به صورت پلکانی بین دهک‌های مختلف، می‌تواند در عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد، کمک شایانی نماید.

- با برداشته شدن تحریم‌های ظالمانه‌ی غرب علیه ایران، صادرات نفت که در این تحقیق، یکی از عوامل مؤثر در کاهش ضریب جینی در کشور است، از سر گرفته شده است که درآمد حاصل از آن می‌تواند از طریق پرداخت بخشی از سود تسهیلات خرید مسکن افراد فاقد مسکن، افزایش سهم اشتغال از بودجه، واردات تکنولوژی‌های پیشرفته، ماشین‌آلات و تجهیزات دارای بازدهی بالا، کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه‌ی مورد نیاز بنگاه‌های تولیدی و غیره مجدداً توزیع درآمد را بهبود بخشد.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و اسماعیل اسناوندی (۱۳۸۴). "برآورد و ارزیابی سازگاری شاخص های نابرابری اقتصادی با استفاده از ریز داده ها در ایران"، *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۰، شماره ۴، صص ۲۱۰-۱۷۱
- پژویان، صدف (۱۳۸۷). *بررسی تأثیر یارانه ها در توزیع درآمد و رفاه جامعه ی شهری*، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشکده ی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
- تفضلی، فریدون (۱۳۶۶). *اقتصاد کلان*، نشر نی، چاپ اول
- تقوی، مهدی (۱۳۹۰). *اقتصاد کلان*، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ یازدهم
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۶). *اقتصاد بخش عمومی*، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ هشتم
- دهمرد، نظر، مهدی صفدری و مهیم شهیکی تاش (۱۳۸۹). "تأثیر شاخص های کلان بر توزیع درآمد در ایران"، *پژوهشنامه بازرگانی*، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۵۵-۲۵
- سیفی پور، رویا و محمدقاسم رضایی (۱۳۹۰). "بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تاکید بر مالیات ها"، *پژوهشنامه مالیات*، دوره ۱۹، شماره ۱۰: صص ۱۴۲-۱۲۱
- شهنازی، روح اس، محمدرضا شهبسوار و محمدحسین مبشری (۱۳۹۳). "توزیع درآمد و وضعیت رفاه خانوارها قبل و بعد از هدفمندی یارانه ها در استان فارس". *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۱۹۹-۱۶۷
- طیبیان، محمد (۱۳۷۹). *اقتصاد کلان*، انتشارات موسسه ی عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، چاپ اول
- گیلیس، مالکوم و دیگران (۱۳۸۵). *اقتصاد توسعه*، ترجمه ی غلامرضا آزاد، نشر نی، چاپ دوم
- ماندگانی، سجاد، مرتضی افقه و احسان نامدار (۱۳۹۱). "برآورد اثرات متغیرهای اقتصادی کلان بر نابرابری توزیع درآمد در ایران"، *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۶۱-۱۴۳
- موسوی جهرمی، یگانه، فرهاد خداداد کاشی و عالمه موسی پورا احمد (۱۳۹۳). "ارزیابی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در جامعه"، *پژوهش های اقتصادی ایران*، دوره ۱۹، شماره ۶۱، صص ۱۴۷-۱۱۷
- مهرآرا، محسن و مجتبی محمدیان (۱۳۹۳). "بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با رویکرد اقتصادسنجی بیزی"، *پژوهش های اقتصادی ایران*، دوره ۱۹، شماره ۶۱، صص ۱۱۶-۸۳
- نوفروستی، محمد و فردین محمدی (۱۳۸۸). "بررسی اثرات شوک های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران". *پژوهش های اقتصادی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۳۸، صص ۵۲-۳۱

Bakker, Alex and John Creedy (2000), "**Macroeconomic variables and income distribution: conditional modeling with the generalized exponential**", *Journal of income distribution*, Vol.9, No.2, PP183-197

Barro, Robert and Vittorio Grilli (1994), **European Macroeconomics**, Macmillan press Ltd

Blaug, Mark (1997), **Economic Theory in Retrospect**, Cambridge university press

Blinder, A and Esaki H. Y (1976), "**Macroeconomic Activity and Income Distribution in the postwar united states**", *The Review of Economics and statistics*, Vol. 160, No.4, PP604-609

Heer, Burkhard and Bernd Sussmuth (2007), "**Effects of inflation on wealth distribution: do stock market participation fees and capital income taxation matter?**", *Journal of economic dynamics and control*, Vol.31, Issue1, PP277-303

Hummel, Jeffery. Rogers (2007), "**Death and taxes, including inflation: The public versus Economists**". *Econ journal watch*, Vol.4, No1, PP46-59

Schultz, T.W (1961), "**Investment in human capital**", *American economic review*, Vol.51, NO1, PP1-17

Shahpari, Ghazal and Parviz Davoudi (2014), "**Studding effects of human capital on income inequality in Iran**", *Procedia-Social and behavioral sciences*, Vol.109, PP1386-1389

Svensson, E.O (2003), "**Escaping from a liquidity trap and deflation: The foolproof wayandothers**", *Journal of economic perspectives*, Vol.17, No4, PP145-166

Xu, Lixincolin and Hang fu Zou (2000), "**Explaining thechanges of income distribution in China**", *China economic review*, Vol.11, Issue2, PP149-170.



**The Effect of Macroeconomic Variables on Income
Distribution in Iran
(with Emphasis on Targeted Subsidies)**

Hossein Ghorbani, Hadi Ghaffari, Abbas Noori, Elham Taghvaei

Received: 31 October 2016

Accepted: 18 April 2017

Investigating of the effects of economic policies on income distribution is very important in different countries from the viewpoint of social justice. The effects of macroeconomic factors on income distribution are of major concern to economists and have critical policy implications. One of the most important goals of the Sixth Development Plan is achieving to Gini coefficient of 0.34. The aim of this study is to investigate the impact of macroeconomic variables including inflation rate, government expenditures, oil and tax revenues and also targeted subsidies dummy variable on income distribution during 1986 to 2015 via a logarithmic model, using Eviews software and OLS method. The findings show that all independent and dummy variables in this study have statistically significant impact on Gini coefficient. The variables of inflation rate and government expenditures have significant and positive impact while the oil and tax revenues and targeted subsidies variables show a significant and negative impact on Gini coefficient.

JEL Classification: O15, E24, H23.

Keywords: *Gini coefficient, Iran, income distribution, Targeted subsidies, macroeconomic variables.*